

دهه اول محرم الحرام ۱۴۳۹ هجری قمری

مسجد جامع دانشگاه شیراز

بحث شرح حدیث شاگرد امام صادق علیه السلام

جلسه چهارم

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۳۹/۰۱/۰۳ هجری قمری مقارن با ۱۳۹۶/۰۷/۰۲ هجری شمسی

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَنَتِيجَةِ الْعَالَمِ، هَادِي السُّبُلِ وَمُنْجِي الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا
حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِرُ عَلَى
أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنِ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ؛

«قال ابو عبد الله الحسين عليه السلام: وَلَكُمْ فِي [بِ] أُسْوَةٍۛ»

شب چهارم محرم الحرام، مقارن با دفاع مقدس مردم جان نثار ایران، خداوند ان شاء الله توفیق سعادت و شهادت را نصیب ما بفرماید به برکت صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم)؛
روایتی را از امام صادق (علیه السلام) خدمت سروران خودم معنا می کردم؛ امشب ان شاء الله روایت را به پایان ببریم.
امام صادق (علیه السلام) به یکی از اصحابشان فرمودند در این مدتی که در محضر ما بودید، در دانشگاه ما تحصیل کردید، چه از ما یاد گرفتید؟

عرضه داشت: یا ابن رسول الله (علیه السلام) هشت مطلب؛ هفت مطلب را خدمت عزیزان قرائت کردم.

یک تکمله ای بر مطلب ششم داشته باشیم و بعد مطلب هشتم را خدمت سروران خودم تقدیم کنم.

مطلب ششم این بود که این صحابی امام صادق (علیه السلام) عرضه داشت: آقا من دیدم مؤمنین، مردم، مسلمان ها، با هم دشمنی هایی دارند، کینه هایی دارند، گاهی سینه ها پر است از کینه ها و از دشمن اصلی فراموش کردند، نتوانسته اند عداوت های خود و دشمنی های خود را مدیریت کنند.

آن دشمن اصلی که قسم به گمراهی ما خورده است، قسم به دشمنی با بنی آدم خورده است، شیطان است؛ «إِنَّ

الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»؛ خدا فرموده است: شیطان دشمن شما است، شما هم با او دشمنی کنید.

به مناسبت این فقره که فقره ششم بود در بین نوشته هایم روایتی را از رسول گرامی اسلام یافتیم، حیفم آمد که این روایت را خدمت سروران خودم تقدیم نکنم.

پیغمبر (سلام الله علیه) برای اینکه ما برنامه عملی برای دشمن ستیزی داشته باشیم، پنج کار را به ما یاد دادند؛

فرمودند: در کشتی با شیطان، در ستیز با ابلیس، در جنگ با این دشمن خدا و بشر، اگر خواستید پیروز بشوید، پنج کار که بیشترین اثر را دارد به شما یاد می دهم و هر کاری را هم می گویم که چه کار می کند با شیطان، به کجای شیطان ضربه می زند! کدام قسمت شیطان را از کار می اندازد! تأثیرش مربوط به چه قسمتی از قسمت های شیطان است!

خیلی روایت، روایت شیرینی است!

مستحضر هستند عزیزان! اهل سنت بعد از قرآن صحاح سته دارند، ما شیعیان بعد از قرآن کتب اربعه داریم و جالب توجه این است که یک کتاب از این کتب اربعه ما؛ یعنی الکافی، تعداد روایاتش برابر است؛ بلکه بیشتر است از همه روایات صحاح سته با حذف تکراری ها!

یعنی اگر شما صحیح بخاری، صحیح مسلم و سایر صحاح اهل سنت، روایاتش را بشمارید، تکراری هایش را کنار بگذارید، بیاید کتاب الکافی ما را که مال مرحوم کلینی است، کلین نیز قریه‌ای نزدیک مرقد حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) است؛ یعنی مرحوم کلینی اهل ری، رازی است.

فقط در کافی مرحوم کلینی تعداد روایاتی که ذکر شده است بیش از روایاتی است که در مجموع صحاح اهل سنت است. سر مطلب مشخص است؛ زیرا اهل سنت روایت از پیغمبر (علیه السلام) برایشان حجت است، پیغمبر سال دهم هجری از دنیا رفتند لکن ما شیعیان تا ۲۵۰ سال بر ایمان روایت صادر می‌شد؛ امام علی (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام)، امام سجاد (علیه السلام) تا برسیم به امام عسکری (علیه السلام)؛ لذا کمیت روایات ما قابل قیاس با کمیت روایات اهل سنت نیست!

یکی از کتب اربعه ما کتاب "من لایحضر" است که اسم کامل این کتاب "فقیه من لایحضره الفقیه" است؛ جناب رازی، پزشک ایرانی مشهور، کتابی نوشته بود با این عنوان "طیب من لایحضره الطیب"، اگر کسی پزشک پیش او نیست، دکتر پیش او نیست، این کتاب خودآموز پزشکی است؛ مرحوم شیخ صدوق آمدند از او این عنوان را اخذ کردند و کتابی نوشتند "فقیه من لایحضره الفقیه"؛ یعنی این کتاب من اگر کسی مجتهد پیش او نبود، مرجع تقلید پیش او نبود، دسترسی به رساله عملیه نداشت، این کتاب من برایش کافی است. خودآموز فقه و معارف شیعه است و لذا اول کتاب هم گفته است من به همه روایات این کتاب عمل می‌کنم؛

یعنی پیش مرحوم صدوق، روایات کاملاً قابل اطمینان است و عجیب این است که روایات کتاب فقیه من لایحضره الفقیه سند ندارد غالباً! درعین حال شده است یکی از کتب اربعه شیعه! آن قدر این کتاب معتبر است. این روایتی {که می‌خواهیم بیان کنیم} در این کتاب است؛ به روح مرحوم شیخ صدوق هدیه کنید صلوات بر محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله وسلم).

چون محیط دانشگاه است عرض می‌کنم بیش از سیصد استاد را خدمت کرده است، برای استفاده از این اساتید هزاران کیلومتر با مرکب‌های آن زمان، قاطر بوده است یا شتر بوده است، از این شهر به آن شهر، برای اینکه احادیث اهل بیت (علیهم السلام) را جمع کند و جمع کرده است و به عنوان برترین محدث شیعه شناخته می‌شود؛ در علم الحدیث و نقل حدیث مثل شیخ صدوق نداریم!

اگر گذرتان به تهران خورد و زیارت حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) رفتید، نزدیک قبر حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) یک قبرستان نورانی و مفصلی است به آن می‌گویند: قبرستان ابن بابویه مرحوم شیخ صدوق (رحمت الله علیه) آنجا دفن است، دیگران هم دفن هستند، کسانی که اهل دل هستند آنجا دفن هستند، مرحوم شیخ رجبعلی خیاط و دیگران هستند. می‌توانید زیارت کنید.

«أَلَا أَخْبِرُكُمْ بَشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَا عَدَّ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَا عَدَّ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ {قَالُوا بَلَى قَالَ الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ وَالصَّدَقَةُ تَكْثِرُ ظَهْرَهُ وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْمَوَازَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ وَالْإِسْتِعْفَارُ يَقْطَعُ وَتِيْنَهُ وَلِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَزَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ ۝۳}».

پیغمبر (علیه السلام) فرمود: من به شما خبر دهم کاری را که اگر انجام دهید شیطان از شما دور می‌شود؟! همان طور که مغرب از مشرق دور است و مشرق از مغرب دور است؟! فاصله بین شرق و غرب چه مقدار است؟! فاصله بین مشرق و مغرب چه مقدار است؟! فرمود: من به شما یاد بدهم کارهایی را انجام دهید که همین مقدار شیطان از شما دور بشود و نتواند بر شما مسلط بشود؟! این روایت در بحث شیطان‌گریزی و شیطان‌ستیزی است و خیلی شیرینی است.

گفتند: بله یا رسول الله! دست شما درد نکند، همه ما مبتلا هستیم به شیطان، برای همه ما برنامه و نقشه دارد، هر کس به گونه‌ای، من روحانی به گونه‌ای، کاسب به گونه‌ای، استاد دانشگاه به گونه‌ای، پزشک و مهندس به گونه‌ای، زن خانه‌دار به گونه‌ای، زن کارمند به گونه‌ای، رهبران جامعه به گونه‌ای، برای هر کس شیطان برنامه دارد، خیلی هم در برنامه‌ریزی متخصص است!

پیغمبر (علیه السلام) فرمود: کاری را یادتان بدهم شیطان از شما دور بشود؟

مثل دوری مشرق و مغرب! آن قدر از شما دور بشود؟! گفتند: بله یا رسول الله!

پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) پنج مطلب را و اثرش را نیز فرمودند.

اول فرمودند: «الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ» روزه صورت شیطان را سیاه می‌کند، صورت شیطان را کبود می‌کند. تا گفته می‌شود روزه! فکر ما می‌رود به روزه ماه رمضان، البته هم درست است، روزه ماه رمضان از ارکان دین اسلام است، از آن پنج رکن اولیه است:

«{بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى {الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ {وَلَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ كَمَا تُؤَدِّي بِالْوَلَايَةِ فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَتَرَكُوا هَذِهِ يَعْنِي الْوَلَايَةَ ۴}}»

ولی روزه در دین اسلام به خصوص در مذهب شیعه دایره خیلی گسترده‌ای دارد.

حال امشب کسانی که می‌خواهند اهل عمل باشند این دو روزه را به آنها معرفی کنیم، مخصوصاً جوان‌ترها که جان دارند و می‌توانند روزه بگیرند، بر این دو روزه تأکید شده است؛ یکی بر صوم الدهر تأکید شده است؛ صوم الدهر بافضیلت‌ترین روزه بعد از روزه ماه رمضان است، روزه‌هایی که هر ماه گرفته می‌شود، البته صوم الدهر یعنی چه روزه‌ای؟!

پنجشنبه اول ماه قمری، الان محرم چند شنبه شروع شده است؟ جمعه!

این پنجشنبه که می‌آید این می‌شود پنجشنبه اول و نیز پنجشنبه آخر هر ماه قمری، این دو روز و اولین چهارشنبه دهه وسط هر ماه؛

پس به این ترتیب است: پنجشنبه اول، پنجشنبه آخر، اولین چهارشنبه دهه وسط هر ماه، به این در فقه ما می‌گویند: «صوم الدهر».

صوم الدهر یعنی چه؟!

یعنی اگر کسی این سه روز را در هر ماه قمری روزه بگیرد روز قیامت نامه عملش را که می‌دهند به دستش می‌بیند در نامه عمل نوشتند این آقا از اول بلوغ تا موقع وفات هر روز روزه بوده است!

«صوم الدهر» آن قدر پر ثواب است که این آقا از اول بلوغش تا موقع وفاتش روزه بوده است! و لذا در سلسله جلیله مرحوم ملا حسینقلی همدانی (رحمت‌الله‌علیه) در معرفت، این روزه را ترک نمی‌کردند، اساتید به شاگردانشان دستور می‌دادند، آن قدر این روزه مهم است که گفتند قضا شد، قضایش را بگیر، حالا مهمان داشتید یا مهمانی رفتید، اگر خوردید قضا کن!

اسمش هم رویش است صوم الدهر! دهر یعنی تمام روزگار و زندگی شما است پس این روزه یک روزه است که عزیزان که می‌توانند بگیرند و خوب است.

روزه دوم که بعد از این روزه مورد تأکید است، صوم ایام البیض است؛ ایام البیض یعنی سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه قمری، روزهایی که شب‌هایش روشن است؛ چون ماه تقریباً قرص کامل است؛ لذا گفتند ایام البیض؛ یعنی لیالی البیض؛ یعنی سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه.

کسی اگر جان داشته باشد و بتواند این شش روز را در هر ماه روزه بگیرد اولاً بدنش سالم می‌ماند؛ پیغمبر فرمود:

«زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ؛ صَوْمُوَاتَصِحُّوا۵؛» روزه بگیرید سالم بمانید!

علاوه بر آن که بسیار این دو روزه پر ثواب است، سه روز صوم الدهر و سه روز صوم ایام البیض که مجموعاً می‌شود شش روز، چرا روزه صورت شیطان را سیاه می‌کند؟

چون روزه از عبادات سلبی است، اخلاص در آن خیلی بالا است؛ یعنی انسان می‌تواند صد روز، روزه بگیرد و احدی هم نفهمد؛ زیرا روزه نخوردن و نیاشامیدن است که از سنخ کارهای سلبی است.

روزه غیر نمازی است که شما می‌ایستید و می‌خوانید و همه می‌بینند، لکن انسان می‌تواند به گونه‌ای روزه بگیرد که کسی متوجه نشود.

در ارتباط با روزه یک تعبیری است که این تعبیر را در مورد هیچ عبادتی نداریم!

علما فرمودند: این تعبیر که در مورد صوم آمده در مورد هیچ عبادتی نیامده است!

خدای متعال فرمود: «الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزِي عَلَيْهِ۶»، و علما اختلاف دارند در اینکه روایت را «أَجْزِي»، بخوانند

یا «أَجْزِي»، بخوانند! معمولاً «أَجْزِي»، را ترجیح دادند؛ معنای آن می‌شود: روزه خاص من است و پاداش روزه من هستم! نه حورالعین! نه بهشت!

این تعبیر را در موارد دیگر نداریم؛ یعنی در مورد صلوه و حج نیست! ندیدیم! علما نیز فرمودند نشانگر این است، اگر کسی روزه‌های مستحبی با دقت بگیرد که غیبت نکند، تهمت نزند، به هر حال روزه‌اش روزه باشد! استمرار بدهد، ان شاء الله به مقام لقاء و به مقام فناء نائل می‌شود.

چون فضای جوان‌ها است این نکته را هم عرض بکنم: ائمه اطهار و خود رسول خدا (علیهم‌السلام) به ما تأکید کردند و گفتند: اگر در اوج فعالیت غریزه جنسی هستید، اگر غریزه جنسی شما را اذیت می‌کند، راه اول، «يَا مَعْشَرَ الشَّبَابِ { عَلَيْكُمْ بِالْبَآءِ ۷ }» بروید ازدواج کنید!

این راه اولش است؛ اگر نتوانستید به هر دلیلی نشد «فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَعَلَيْكُمْ بِالصِّيَامِ { فَإِنَّهُ وَجَاوُهُ ۸ }». بروید سراغ روزه‌های مستحبی! روزه قوای جنسی انسان را مدیریت می‌کند.

دوم فرمود: «وَالصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ»، آن چیزی که پشت شیطان را می‌شکند، صدای این شکستن هم در می‌آید، آن چیزی که ستون فقرات شیطان را می‌شکند، صدقه است. در راه خدا صدقه بدهید!

اگر اهل صدقه در راه خدا بودید پشت شیطان شکسته می‌شود، انسان جَبَلْتاً مال‌دوست است! حتی در حدی مال‌دوست است که وقتی می‌خواهد به کسی کمکی هم بکند دیگر را جایی می‌فرستد که دیگچه برگردد!

برای کسی ضمانت می‌کند که او پس‌فردا جبران کند؛ لذا سیدالشهداء (علیه‌السلام) فرمود:

«إِنَّ أَجْوَدَ النَّاسِ مَنْ أَعْطَى مَنْ لَا يَرْجُوهُ ۹»، بخشنده‌ترین انسان کسی است که به کسی بدهد که هیچ امیدی از او نخواهد پس بدهد ندارد؛ یعنی چه؟

یعنی آدم مستضعفی است اگر گرفت، رفت و رفت، نمی‌تواند جبران کند. به این شخص اگر دادید خیلی با جود و کرم هستید!

به هر حال فرمود: صدقه کمر شیطان را می‌شکند؛ صدقه را علنی بدهیم یا مخفی بدهیم؟ هر دو خوب است!

«إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهُا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۱۰»

فرمود اگر علنی دادید، گهگاه علنی بدهید تا دیگران یاد بگیرند، تشویق بشوند، گدایی را دیدید، محتاجی را دیدید، جلوی زن و بچه‌ات بدهید تا بچه‌ات یاد بگیرد، دادن مال را یاد بگیرد، بخشیدن را یاد بگیرد.

امام رضا (علیه‌السلام) در طوس نامه نوشت به امام جواد (علیه‌السلام) کودک کوچک خود در مدینه: پسر من شنیدم اطرافیان شما را از درب پشت خانه بیرون می‌برند که با گدایان روبه‌رو نشوید! نکنید این کار را! از درب جلوی خانه بروید!

بگذار آن‌ها ببینند گدایی کنند و شما هم بخشنده‌گی کنید.

ما گاهی بخل را به بچه‌هایمان یاد می‌دهیم! بچه جان! حواست باشد! در مدرسه مداد تراشت را کسی خواست به او ندهی! پاک‌کن کسی خواست به او ندهی! مدادت را مواظب باش دست کسی نرود! یعنی داریم بخل را به او تزریق می‌کنیم؛ درحالی‌که باید جود را تزریق کنیم.

پس گاهی علنی باید کمک کرد، «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فِعِمَّا هِيَ»، و در بیشتر موارد و در اکثر موارد «وَإِنْ تُخْفُوهَا»، آن هم جوری مخفی باشد به تعبیر روایات ما با دست راست دادیم، دست چپ نفهمد! با دست چپ دادید، دست راست نفهمد! یعنی این مقدار!

نکته دیگر اینکه اگر صدقه به کسی دادیم خرابش نکنیم. چه جور خراب می‌شود؟

خدا در قرآن فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى ۱۳»، مواظب باشید صدقه دادید، ضامن کسی شدید، کمکی به کسی کردید، مبادا بعد منت بگذارید! مبادا بعد اذیت کنید! چرا شاعر فارسی‌زبان ما گفت:

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز!

یعنی فراموش کنید!

یعنی مبادا به یادت بماند بعد بخواهید اذیت کنید.

فرمود: روزه صورت شیطان را سیاه می‌کند، صدقه به خصوص صدقات مخفی پشت شیطان را می‌شکند.

سوم «وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ» اینکه انسان در راه خدا دوستی‌هایش را تنظیم کند، محبت‌هایش الهی باشد؛ یعنی من یک نگاه کنم در رفیق‌هایم بینم هرکسی دوست دارم، چون خدایی است دوست دارم، چون متدین است دوست دارم، چون با تقوا است دوست دارم، چون دوست خدا است دوست دارم، چون دوست خدا است.

تاریخ نوشته است سیدالشهداء (علیه‌السلام) کودکی کوچک بود، روی زانوی رسول گرامی اسلام (علیه‌السلام) نشسته بود، یک سؤال کرد از جد بزرگوارش، «يَا جَدَّاهُ هَلْ تُحِبُّونِي؟»، ای جد بزرگوار! من را دوست دارید؟!

پیغمبر (علیه‌السلام) فرمود: «بَلَى يَا بُنَيَّ!»

بله دوست دارم. سؤال دوم را به پیغمبر (علیه‌السلام) عرضه داشت:

«يَا جَدَّاهُ هَلْ تُحِبُّ اللَّهُ؟»

خدا را هم دوست دارید؟

گفت: بله! خدا را هم دوست دارم.

امام حسین علیه‌السلام یک کودک است رو کرد به پیغمبر (علیه‌السلام) عرضه داشت: یا رسول‌الله! مگر خدای متعال در قرآن نفرمود:

«مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ»^{۱۴}، خدا در دل هیچ‌کس دو تا قلب نگذاشته است!

معنی این آیه این است:

مهر دگران را ز دل خود یله کن

ای یک دله صد دل، دل یک دله کن

یک دلداری! یک دلبر! خلاص! این فرهنگ دینی ما است. یک دل پس یک دلبر! اصلاً شرک در محبت جزء بدترین شرک‌ها است.

در حقیقت دارد از جد بزرگوارش استفاده علمی می‌کند! من را دوست دارید؟

بله!

خدا را دوست دارید؟

بله!

فرمود: مگر خدا نفرمود دوتا دوستی در یک دل، در یک قلب نمی‌گنجد! ما دو قلب که نداریم!

پیغمبر (سلام‌الله‌علیه) در جواب حسین خندیدند و تبسم کردند و یک جمله جواب دادند و فرمودند: «يَا حُسَيْنُ

إِنَّمَا أَحَبُّكَ لِحُبِّ اللَّهِ»، من تو را دوست دارم؛ چون خدا را دوست دارم! تو را در راستای خدا دوست دارم، تو را به‌خاطر خدا دوست دارم.

ما سالیانی است زیر بیرق اباعبدالله (علیه‌السلام) گریه می‌کنیم، ضجه می‌زنیم. فرض کنیم، اگر سیدالشهداء (علیه‌السلام) ارتباطی با خدا نداشت و ارتباطش با خدا بریده بود! ما هم این ارتباط را با حسین (علیه‌السلام) نداشتیم؛ ما حسین (علیه‌السلام) را دوست داریم نه مستقلاً! حسین علیه‌السلام چون ولی‌الله، حجت‌الله، حبیب‌الله است، دوستش داریم.

رسول خدا (علیه‌السلام) در این روایت فرمود: حُبِّ در راه خدا است.

در کتاب‌های روایی بابی داریم تحت عنوان «التحابب فی الله والتباغض فی الله»^{۱۵}؛

یعنی چه؟

یعنی محبت‌های دسته‌جمعی در راه خدا، مبغضت‌های دسته‌جمعی در راه خدا که انسان با دیگران معیار ارتباط محبتی‌اش، عشقی‌اش خدا باشد نه غیر خدا! نعوذ بالله! لذت جنسی؟ نه! نعوذ بالله! فقط کار اقتصادی؟ نعوذ بالله! فقط ارتباط فامیلی؟ نه! من فامیلم را دوست دارم با اینکه بی‌دین است! هم‌محلّی‌ام را دوست دارم با اینکه اعتقاد ندارد به دین و مکتب!

نباید این‌طور باشد.

در این مورد سوم حضرت نفرمودند که چه نتیجه‌ای در شیطان دارد!

چهارم «وَالْمُؤَاوَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ»، اینکه من دیگری را در راه کار شایسته و خیر کمک کنم؛ کمک

دیگران در انجام کارهای شایسته، اربعین نزدیک است می‌خواهد برود کربلا، پول ندارد، قرضش بدهم؛ جوانی است می‌خواهد ازدواج کند شاخ شیطان را بشکند، مشکل دارد، مشکل اشتغال دارد، من می‌توانم دستش را بگیرم، بنده در خانه نشستم، بدبخت است، ساعت دوازده شب است، طرف زنگ زده است و سؤال شرعی دارد، اخم نکنم! جواب بدهم، پیش هم می‌آید.

حاج آقای طباطبایی می گفتند: من یک و نیم نصف شب به خانه ام زنگ زدند، یک خانمی بود، حاج آقای طباطبایی عذرخواهی می کنم، یک استخاره برای من بگیرید! ایشان گفتند: ما خواب آلود وضو گرفتیم، استخاره گرفتیم، بد آمد! گفتیم: خانم استخاره بد است.

گفت: خواهش می کنم یکی دیگر هم بگیرید!

چهار تا استخاره گرفت! هر چهار تا هم بد آمد!

گفت: حاج آقای طباطبایی من چه بدبختی دارم! آخر من چه کار کنم؟!

من الان دم حمام نشستم و چهار نوع رنگ هم دارم، می خواهم بزنم به سرم حالا همه که بد آمد! من چه کار کنم؟! از این گرفتاری ها ما روحانی ها زیاد داریم! شما غصه نخورید!

انسان تحمل کند صبوری کند و در حقیقت در راه عمل صالح کسی را موازرت کند، کمک کند.

فرمود اگر حب فی الله داشتید در راه خدا و با دیگران محبت را تنظیم کردید و اگر در عمل خیر، کار صالح و

شایسته دیگری را کمک کردید و هل دادید {شیطان را شکست دادید!}

من نمی دانم چرا ما همه کمپین هایمان مربوط به چیزهای اجق و جق است؟!

حالا استقلالی ها کمپین راه می اندازند!

حالا پرسپولیس ها کمپین راه می اندازند!

جوان های این شهر بیایند بگویند: آقا ما عادت به بیداری سحر نداریم. جمع بشویم با اینکه الان نیز وسایل ارتباط جمعی زیاد است، همه تلفن همراه داریم، یک کمپین سحر بیدار شدن راه بیندازیم!

بلند شویم هزار نفر، دو هزار نفر، برویم دسته جمعی زیارت احمد بن موسی (علیه السلام)، فردایش برویم دسته جمعی زیارت سید علاءالدین حسین (علیه السلام)، یعنی سحر را برای خودمان کمپین درست کنیم. بگوییم:

آقا یک کمپین شرکت دستی جمعی در نماز جمعه راه بیندازیم.

ما در مشهد تقریباً بیست سال است یک گروهی تشکیل دادیم که سحر همدیگر را تلفنی بیدار می کنند. آخرین آماری که من داشتم بالای سیصد نفر در این گروه فعال هستند؛ یعنی طرف بیدار می شود تلفن می زند، هرکسی مسئول ده یا پانزده نفر است و چرخشی می گردد، برای اینکه خواب نماند و بلند شود تا نماز شبی بخواند که هفتاد خاصیت دارد؛ یک خاصیت این است که روزی گسترده می شود؛ دوم این است صورت نورانی می شود؛ سوم این است محبوب می شوید در دل ها؛ چهارم این است که روز قیامت روی صراط نمی لغزید؛ پنجم این است که فشار قبر نمی بینید.

راه بیندازند جوان ها کمپین نماز شب خوانی! چه اشکال دارد؟!

کمپین توبه ماهیانه!

فرمود: «وَالْمُؤَاوِزَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ»، اگر کسی در راه خدا محبت کرد به صورت محبت های دسته جمعی

در راه خدا و اگر کسی دیگران را بر عمل صالح کمک کرد، ثمرش این است: «يَقْطَعُ دَابِرَهُ» اصلاً نسل شیطان

را بر می اندازد؛ گویا شیطان نسل ندارد و گویا شیطان ذریه ندارد؛ یعنی نه فقط شیطان را از خودش دور می کند؛

بلکه عمه واکره و نوچه های شیطان هم دیگر دور او نمی گردند. قطع دابر می کند!

اصلاً نسل و ذریه را از بین می برد.

محبت های دسته جمعی خدایی، کمک بر عمل صالح و عمل شایسته پشت شیطان را می شکند و نسل او را از بین می برد.

این نکته را عزیزان بدانند آن قدر کار خیر داریم که طبق سلیقه تان انتخاب کنید؛ چون سلیقه ها مختلف است.

انسان ها سلايقشان گوناگون است، صدها نوع ما عمل شایسته داریم، بین کدام را می پسندی!

در حد توانتان کمک کنید، به بهزیستی کمک کنید، به کمیته امداد کمک کنید، در دمودستگاه اباعبدالله (علیه السلام)

کار کنید، الان دو سه شب است آقای دکتر ربیعی دارند یواش یواش التماس می کنند که نمی رساند خرج و مخارجی

که هیئت محبین دارند، از مسئولین دانشگاه می گیرند آن ها زحمتهایشان را می کشند؛ اما بالاخره بودجه هایشان محدود

است، من دو سه سال قبل از مسئولین هیئت پرسیدم آقا خرج سالیانه هیئت چقدر است؟

گفتند: بین ۳۵۰ میلیون تا ۴۰۰ میلیون، الان حتماً رفته است روی نیم میلیارد! پول کمی نیست! شماها باید کمک کنید.

اگر مجلس، مجلسی است که مورد استفاده است که هست و اگر بیرق سیدالشهداء (علیه السلام) است که هست،

شما کمک بفرمایید!

آخرین نکته فرمود: «وَالْأَسْتَغْفَارُ يَقْطَعُ وَتَيْتَهُ»، به رگ گردن می‌گویند «وَتَيْن» کلمه قرآنی است؛ خدا در ارتباط با پیغمبر فرمود:

«وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ۚ ۱۶»

اگر رسول خدا (علیه‌السلام) یک کلمه بی‌اجازه ما حرف بزند، یک کلمه از طرف خودش بگوید، یک اعراب را زیاد و کم کند، رسول خدا (علیه‌السلام) یک کلمه بدون اجازه ما مطلبی را بر ما ببندد، ما با قدرتمان او را می‌گیریم، رگ حیاتش را می‌زنیم، شوخی هم نداریم!

اینجا یک استفاده اخلاقی بکنم! عزیزان! پیغمبر خدا که وحی بر او نازل می‌شود: «ثُمَّ كَذَّابَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى ۚ ۱۷»، مقامش آنجا است، جبرئیل بر او نازل می‌شود، شرح صدر دارد، قلبش باز است، یک کلمه از پیش خودش نمی‌تواند راجع به دین خدا حرف بزند! دین یک بسته منسجم است! از طرف خدا آمده است، من الله و الی الله است، آن وقت هرکسی دهانش را وامی‌کند و هر چه می‌تواند می‌گوید! چرا؟

استاد ما {آیت‌الله جوادی آملی} می‌گفتند: سه جا همه فوق‌تخصص می‌شوند! در حمام! زیرا حمام‌های قدیم همه می‌شدند خواننده! صدا می‌پیچید! هرکسی می‌رفت آنجا می‌زد زیر آواز! من دیده بودم.

تا مریض پیدا می‌کنیم همه می‌شویم پزشک! به دین که می‌رسیم همه می‌شویم مرجع تقلید! نباید این‌طور باشیم. اظهارنظر در مورد دین کار هرکسی نیست!

طلاب و عزیزان در مجلس هستند. چهارده سال ما باید درس بخوانیم تا برسیم به درس خارج، تازه درس خارج ۸ سال باید درس بخوانیم تا اصول را تمام کنیم، حالا اصول فقه تمام شد، آن هشت سال ادامه پیدا می‌کند، ۱۰ یا ۱۲ سال هم درس خارج طول می‌کشد با این حال هنوز جرات نمی‌کنیم بگوییم ما مجتهد هستیم؛ یعنی هنوز خودمان را صاحب نظر نمی‌دانیم، بعد آقا بر می‌دارد در تلگرام می‌نویسد: امسال حج رفتن حرام است! چرا؟ چون پولی که می‌خواهیم بدهیم می‌رود یمن خرج می‌شود! به تو چه!

حج حکم الهی است، مرجع تقلید داریم، ولی فقیه هم داریم، او باید تصمیم بگیرد! در این شبکه‌های مجازی پر کردند که چه کسی گفته است این همه برای امام حسین (علیه‌السلام) غذا بدهیم؟! این همه خرج بکنیم؟!

نه! بروید اینها را خرج کنید برای عروس و دامادها! اتفاقاً اگر به عروس و دامادها کسی کمک می‌کند باز همین مذهبی‌ها و متدینین هستند. همین‌ها هستند که دارند خدمت می‌کنند.

فرمود: «وَالْأَسْتَغْفَارُ يَقْطَعُ وَتَيْتَهُ»، اگر می‌خواهید رگ گردن شیطان زده بشود، سر شیطان را ببرید، راهش استغفار است، اینکه انسان در پیشگاه الهی اهل طلب مغفرت باشد، البته باید سعی کنیم گناه نکنیم؛ ولی اگر گناه صادر شد نگذاریم گناه در جان ما لانه کند، نگذاریم ماندگار بشود.

چرا به من و شما گفتند هر شب قبل از خواب پنج دقیقه یا ده دقیقه با خودتان خلوت کنید؟! خلوت که کردید ببینید صبح تا حالا چه کار کردید!

اسم این را می‌گذاریم محاسبه و اهل بیت (علیهم‌السلام) فرمودند: اگر روزی یک بار یا دو بار خود را محاسبه نکنید شیعه نیستید! تشیع را بر خودتان ننیدید!

«لَيْسَ مِنْ أَمَانٍ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ ۱۸»، بهترین وقتش نیز قبل از خواب است؛ پنج دقیقه بنشینید و ببینید صبح چه کار کردید؟

نماز صبح قضا شد یا نه؟!

اگر قضا نشد سر وقت خواندید یا نه؟!

بین الطلوعین که مسلمان باید بیدار باشد روزی‌ها را آن موقع تقسیم می‌کنند، خواب بودید یا بیدار؟!

آمدید سر کار چشمت نجنید و ناموس مردم را دید نزدیک یا زدید؟!

حالا آمدید سر کار، مسئولانه کار کردید یا نکردید؟!

ظهر شد نمازتان را اول وقت خواندید؟!

موقع خوردن مال، حرام بود یا حلال خوردید؟!

غذا خوردید، پر خوری کردید یا به اندازه خوردید؟! چقدر روایت داریم که بدترین ظرفی که انسان پرش می کند شکمش است! اگر شکم پر شد اولین اثرش این است که تندذهنی از بین می رود. انسان آن تیزی ذهنش را از دست می دهد! اصلاً متفکران ما شکم باره نبودند! من تحقیق کردم هیچ کدام از متفکران ما شکم باره نیستند!

چه بعد از ظهرتان و چه شبتان فرقی نمی کند، یک حسابی بکنید! بعد بخوابید. در این محاسبه اگر کارهای بد کرده بودید برای هر کدام لا اقل یک بار «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، یک استغفار عام که داشته باشیم هم تکرار کنیم: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ».

معمولاً یکی دو شب در گذشته، در مجالس حسینی از اصحاب خوانده می شود، حق هم همین است. امام حسین (علیه السلام) خودشان شهادت دادند که بهتر از اصحاب من نیامده است:

«فَإِنِّي لَأَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْفَى {وَلَا خَيْرَ لِمَنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِي} أَبَرَّ {وَلَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي} ۱۹».

شهادت بلندی است، خیلی شهادت عظیمی و بزرگی است و الگو هم آنها هستند خاندان عصمت و طهارت (علیه السلام) الگو هستند؛ ولی به هر حال معصوم هستند یا معصوم زاده هستند. ولی حبیب که معصوم زاده نیست، چون که معصوم زاده نیست، مسلم بن عوسجه که معصوم زاده نیست، مثل ما است! این ها بهتر می توانند برای ما مورد الگو برداری قرار بگیرند.

معمولاً هر سال به اعتبار اینکه خودمان را در همان رتبه ها می بینیم یک اشارتی می کنیم به غلام سیاه اباعبدالله کسی که آن قدر خودش را پست می دید که در ذهن خودش اول تصور نمی کرد اجازه میدان رفتن پیدا کند. چه کسانی در مجلس نشستند؟

آن قدر خودشان را گنهگار می بینند که حتی شک دارند حسین (علیه السلام) نگاهشان می کند یا نه؟! حال اینها باید حال جَوْن باشد اهل نوبه است، آفریقا هم محل است در حقیقت با مادر امام رضا (علیه السلام)؛ زیرا مادر امام رضا (علیه السلام) هم نوبی است، جَوْن هم نوبی است. چند دقیقه تاریخش را عرض بکنم؛

اسیری است که برده شده است، حضرت ابوذر این غلام را خرید، شد غلام ابوذر، در راه خدا این غلام را بخشید به امیرالمؤمنین (علیه السلام)، من به نظرم ابوذر روی حساب کار کرده است! یعنی در این غلام چیزی دیده است که او را وصل کرده است به خاندان عصمت و طهارت (علیهم السلام)! خدا کند ما هم وصل بشویم به این خاندان که خاندان نور هستند.

جَوْن آمده است در زندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) دیگر هم آزاد است و غلام نیست؛ ولی در این آستان ایستاده است، امیرالمؤمنین (علیه السلام) شهید شده است، آمده است در دم و دستگاه امام مجتبی (علیه السلام) و شده غلام امام مجتبی (علیه السلام)، امام مجتبی (علیه السلام) شهید شده است، آمده است در دم و دستگاه سیدالشهداء (علیه السلام). من به گمانم این اصطلاح پیر غلام اگر در اصحاب کربلا بخواهد برای کسی صدق کند اول باید به جَوْن صدق کند.

آمده است در دستگاه اباعبدالله و با امام حسین (علیه السلام) آمده است کربلا شمشیر تیز می کند، نیزه تیز می کند، تخصص در این کار دارد، مقتل را برایتان بخوانم دلمان آماده بشود مثل غلام سیاه اباعبدالله (علیه السلام) با ما برخورد کند، برخورد آقا با این غلام عجیب است.

مقتل می گوید: وقتی اصحاب یکی یکی رفتند و به شهادت رسیدند؛ جَوْن آمد جلوی امام حسین (علیه السلام) یک جمله گفت: «يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَأْذَنُ لِي فِي الْقِتَالِ؟»

آقا اجازه دارم بروم بجنگم و جانم را در راه شما فدا کنم؟ خیلی تعبیرات عجیب است!

اصلاً برخورد امام حسین (علیه السلام) روز عاشورا عجیب است؛ می خواهد به همه بگوید این هایی که با من ماندند عاشق بودند و فهمیم بودند؛ هیچ کس به جبر نایستاده است.

غلام است، سیاه است، حضرت فرمودند: «أَنْتَ فِي إِذْنِ مَنْ فِيْنَا تَبْعَتْنَا طَلَبًا لِلْعَافِيَةِ فَلَا تَبْتَغِ بَطْرَيقَنَا ۲۰»، گفتند: تو اجازه داری بروی!

می دانید چون غلام بود دشمن روی او حساس نبود می توانست برود.

غلام دیگر امام حسین (علیه السلام) عقبه بن سمعان جنگ نکرد، شهید هم نشد، آزادش هم کردند، تا فهمیدند غلام است آزاد شد!

حضرت فرمودند: برو! تو اجازه داری بروی! چرا؟

تو آمدی خانه ما به نان و نوایی برسی!

مبادا از طرف ما به تو خسارتی، بلایی نازل بشود. دو تا کار اینجا جناب جون کرد یک کار گفتاری یک کار رفتاری؛ کار گفتاری اش این است که شروع کرد با حضرت صحبت کردن اجازه را می خواهد بگیرد؛ اما کار رفتاری اش که امشب اگر ما بتوانیم انجام بدهیم خیلی کار کردیم! این است که خودش را انداخت روی پاهای اباعبدالله (علیه السلام) این پاها را گرفته است می بوسد؛ یعنی سر روی پای حضرت است و دارد حرف می زند؛ همه مقاتل این طور نوشتند: خودش را انداخت روی پاهای اباعبدالله! بگو یا اباعبدالله می شود موقع مرگ پایتان را بیاورید کنار صورت ما!

من جملات جون را از زبان حال شما بخوانم گفت: «یا ابن رسول الله أنا فی الرخاء الحس قضا عکرم فی الشدة أخذکم؟!»

آقا! من در وقتی که شما در عافیت بودید کاسه لیس شما بودم، ته مانده غذای شما را می خوردم، حالا که جنگ است و زینب می خواهد به اسیری برود، علی اکبر (علیه السلام) می خواهد شهید بشود، من الان شما را رها کنم؟! لا والله قسم خورد این کار را نمی کنم، بعد دید تنها راهی که می تواند حسین فاطمه (سلام الله علیها) را راضی کند از راه احساسات است. ما باید با احساسات، حسین (علیه السلام) را برای خودمان بگیریم.

گفت: «إن ریحی لمنن وإن حسبی للئیم ولونی لأسود.»

من می دانم من سیاه هستم، بدبو هستم و من مثل شما از قریش نیستم، حسب و نسب ندارم صورتم هم سیاه است. دارد خودش را معرفی می کند!

عرضه داشت: «فتنفس علی بالجنة فتطیب ریحی ویشرف حسبی و بیض وجهی؛»

آقا! دوست دارم بهشتی بشوم، اجازه بدهید بروم. اگر اجازه بدهید بروم چه می شود، دیگر از آن به بعد بوی بدنم خوش می شود، منم حسب و نسب پیدا می کنم، روز قیامت می گویم حسینی بودم، صورتم سفید می شود. باز دوبرتبه قسم داد:

«لا والله لأفارقکم حتی یختلط هذا الدم بالأسود مع دمائکم؛» نمی روم تا این خون سیاه با خون شما مخلوط بشود؛ امام حسین علیه السلام اشک هایش جاری شد. یکی از جاهایی که اباعبدالله (علیه السلام) گریه کردند اینجا بود، نتوانست جلوی احساساتش را بگیرد، اشکان اباعبدالله (علیه السلام) جاری شد. اجازه داد، جون آمده و جنگیده است؛ ۲۵ نفر را کشته است ۲۱.

حالا افتاده است روی زمین، شک دارد صدا بکند یا نکند؟! خودش را در آن حال نمی بیند! دل را به دریا می زند: «السلام علیک یا اباعبدالله.»

امام حسین (علیه السلام) آمدند دیدند پر از خون است، دست ها را به آسمان بلند کردند:

«اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَطَيِّبْ رِيحَهُ وَأَحْشِرْهُ مَعَ الْأَبْرَارِ وَعَرِّفْ بَيْتَهُ وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ۲۲.»

خدایا صورتش را سفید کن و خدایا بویش را خوش کن و خدایا او دوست داشت با ما محشور بشود، با ما محشورش کن و خدایا روز قیامت ما را بشناسد و ما او را بشناسیم.

نشست سر این غلام را به دامن گرفت. چشمان بی رمقش باز شد یک جمله گفت:

«مَنْ مِثْلِي؟»

چه کسی در عالم مثل من است؟

«واین رسول الله علی رأسی؟ ۲۳»

حسین (علیه السلام) آمده است بالای سر من!

این رسم مروت حسین است

بوسید غلام را چو فرزند

دست هایت را بیاور بالا سه مرتبه بگو: یا حسین...

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُ.»

فهرست منابع

۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت‌الله، غفاری، علی‌اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمدتقی، محمودی، محمدباقر، خرسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۴۴، ص ۳۸۲.
۲. سوره فاطر، آیه ۶.
۳. غفاری، علی‌اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية، ج ۴، ص ۶۲.
۴. غفاری، علی‌اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية، ج ۲، ص ۱۸.
۵. ابن‌حیون، نعمان بن محمد، و فیضی، آصف. ۱۳۸۳-۱۹۶۳. دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام عن أهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام. ۲ ج. قاهره - مصر: دار المعارف، ج ۱، ص ۳۴۲.
۶. غفاری، علی‌اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية، ج ۴، ص ۶۳.
۷. فاری، علی‌اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية، ج ۴، ص ۱۸۰.
۸. غفاری، علی‌اکبر، کلینی، محمد بن یعقوب، و آخوندی، محمد. ۱۳۶۳. الکافی. ۸ ج. تهران - ایران: دار الکتب الإسلامية، ج ۴، ص ۱۸۰.
۹. سبحانی تبریزی، جعفر، رسولی، هاشم، و اربلی، علی بن عیسی. ۱۳۸۱-۱۳۴۰. کشف الغمّة فی معرفه الأئمة. ۲ ج. تبریز - ایران: بنی هاشمی، ج ۲، ص ۳۰.
۱۰. سوره بقره، آیه ۲۷۱.
۱۱. سوره بقره، آیه ۲۷۱.
۱۲. سوره بقره، آیه ۲۷۱.
۱۳. سوره بقره، آیه ۲۶۴.
۱۴. سوره احزاب، آیه ۴.
۱۵. برای مطالعه بیشتر رک به محمدی ری‌شهری، محمد، و شیخی، حمیدرضا. ۱۳۸۹. میزان الحکمة (با ترجمه فارسی). ۱۴ ج. قم - ایران: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث. سازمان چاپ و نشر، ج ۲، ص ۴۵۰.
۱۶. سوره حاقه، آیه ۴۴-۴۶.
۱۷. سوره نجم، آیه ۸ و ۹.
۱۸. ابن‌فهد حلی، احمد بن محمد، و موحدی قمی، احمد. ۱۴۰۷-۱۹۸۷. عدّه الداعی و نجاح الساعی: کتاب علمی، دینی، اخلاقی، عبادی. ۱ ج. قم - ایران: دار الکتب الإسلامية، ص ۲۳۹.
۱۹. مفید، محمد بن محمد، مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، و کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (ره) (۱۴۱۳ق. = ۱۳۷۲م). ۱۳۷۲-۱۴۱۳. الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد. ۲ ج. قم - ایران: المؤتمر العالمی لأئمة الشیخ المفید، ج ۲، ص ۹۱.

۲۰. مفید، محمد بن محمد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، و کنگره جهانی هزاره شيخ مفيد (ره) (۱۴۱۳ق. = ۱۳۷۲: قم). ۱۴۱۳-۱۳۷۲. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد. ۲ ج. قم - ايران: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ج ۴۵، ص ۲۲.
۲۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدايت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۴۵، ص ۲۲.
۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدايت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار: الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۴۵، ص ۲۳.
۲۳. با اندک تغییری از به نقل از یکی دیگر از اصحاب سیدالشهدا علیه السلام به نام اسلم ترکی؛ ابصارالعین، ص ۵۳؛ نفس المهموم، ص ۲۹۴؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۰.